

قسمت پنجم جزوه پولسازی

اطلاعات تکمیلی درباره وب سایت شخصی: web-site

شما برای ایجاد مغازه روی اینترنت (همان وب سایت) و فروش محصولات خود به تمام دنیایانیز به دانستن یکسری اطلاعات دارید که من در اینجا به بیان آنها میپردازم:

در مرحله نخست شما به یک اسم برای سایتتان نیاز دارید. اسم سایت را اصطلاحاً **دومین** **domain** می گویند. دومین شما میتواند هر چیزی باشد اما بهتر است در ارتباط با محصولی که قصد فروش آن را دارید باشد.

حال فرض کنیم شما قصد دارید یک سایت در مورد فیلم و با این نام داشته باشید: ایران فیلم. بنابراین دومین شما هست: **Iranfilm**

هر دومین باید دارای یک پسوند باشد. پسوندها عبارتند از:

.com
.net
.info
.biz
.ir

////////

که پسوند **.com** عمومیت بیشتری دارد بنابراین نهایتاً اسم سایت شما **iranfilm.com** خواهد بود.

برای ثبت دومین خود باید به سایتهای مربوطه مراجعه نمایید.

سپس باید مقداری فضا در اینترنت برای سایتتان خریداری کنید که به این فضا **هاست host** می گویند. برای شروع ۵۰ مگابایت کافیست. سپس باید سایتتان را طراحی و **design** کنید که اگر مبتدی هستید بهتر است این کار را به افراد خبره بسپارید.

پس از اتمام طراحی سایتتان، شما می توانید هر آنچه را که برای فروش در نظر گرفته اید را در آن قرار دهید.

روی خودتان سرمایه گذاری کنید

مهمترین نوع سرمایه گذاری در عصر حاضر سرمایه گذاری روی خود است. که این به معنی افزایش اطلاعات و توانمندیهای خود می باشد.

فرض کنید هفته هاست دنبال یک شغل با درآمد متوسط می گردید و ناگهان یک نفر آشنا از راه میرسد و به شما می گوید که اگر زبان عربی یا انگلیسی بلد باشید، او با شناختی که از شما دارد حاضر است شما را با همین مدرکی که دارید، به عنوان وکیل تام الاختیار خودش با درآمد عالی در یکی از کشورهای منطقه استخدام کند.

خوب به این پیشنهاد دقت کنید. شما فردی هستید که امین و درستکار شناخته شده اید و فرصت شغلی عالی برایتان فراهم شده است. اما فقط چون به زبان عربی مسلط نیستید، مجبورید این فرصت را از دست بدهید و آن را به شخص دیگری بسپارید. حال سوال اینست که آیا شما حق دارید کاینات را به خاطر بد شانسی خود مقصر بدانید؟ معلوم است که نه!! شما می توانستید قبل از این، درسهای عربی و انگلیسی را جدی تر بگیرید و روی خودتان سرمایه گذاری بکنید و با استعداد و مهارتهای بیشتری به استقبال شانس بروید. اما متأسفانه چون فکر می کردید بیکاری و تلف کردن وقت بهتر از یادگیری یک مهارت به ظاهر بی اهمیت است این کار را انجام نداده اید و این فرصت گرانبه را از دست دادید. شما یکی از شانسهای خود را از دست دادید فقط چون قبل از دیدن شانس، فکر می کردید که یادگیری بعضی مهارتها فایده ای ندارد.

همین الان فکر کنید در روز چقدر وقت بیکار دارید و چقدر عمر خود را تلف می کنید. و این در حالیست که همین الان وضعیت مالی مساعدی ندارید و مثلاً به خاطر کسری درآمد

مجبورید قید خیلی چیزها را بزنید و خود و خانواده خود را از خیلی چیزها محروم کنید. در طول شبانه روز انسانهای بیکار و افسرده زیادی را می بینیم که از سختی زندگی می نالند و داریم روزگار کج مدار را مقصر شرایط سخت زندگی خود می دانند. وقتی از آنها می پرسیم که چرا از این فرصت بیکاری خود استفاده نمی کنند و مهارتی نمی آموزند می

گویند: فایده ای ندارد. چرا بی جهت وقتمان را تلف کنیم؟!!!

درست شبیه کشاورزی که داریم به معبد می رفت و از خدای معبد می خواست تا او را در مسابقه بهترین کشاورز سال انتخاب کند و هرگز این اتفاق نمی افتاد. سرانجام روزی خدای معبد به خواب او آمد و با خشم به او گفت که: آهای جوان!! تو لااقل محصولی بکار و آنرا به میدان مسابقه ببر تا من بتوانم تو را به عنوان بهترین کشاورز سال اعلام کنم.!! عین این مطلب نیز در مورد بسیاری که خود را طلبکار کاینات می دانند صادق است. آنها انتظار دارند بدون هیچ تلاشی و سرمایه گذاری روی خودشان، به صورت اتفاقی و در بین میلیونها انسان از سوی کاینات به عنوان بهترین انتخاب شوند و بهترین چیزها فقط نصیب آنها شود. غافل از اینکه فرصتها و شانسهای بزرگ زندگی اینطور نیست که هر از گاهی به صورت اتفاقی از مقابل ما عبور کنند و در حقیقت شانس و فرصت همیشه وجود دارد و این ما هستیم که با ارتقا و تقویت استعدادها و توانمندیها و مهارتهای جسمی و روحی و ذهنی خود، قدرت دیدن این فرصتها را به خودمان عطا می کنیم. به زبان ساده تر شانس ها و فرصتهای عالی همیشه وجود دارند، اما به راحتی دیده نمی شوند و این ما هستیم که با تقویت مهارتهای درونی، چشم خود را قوی می کنیم تا بتوانیم بینایی لازم برای دیدن این فرصتها را پیدا کنیم.

برای این کار می توانید در سمینارها شرکت نموده و از نکات مهم آن نهایت استفاده را بنمایید. استادان بزرگی همچون آنتونی رابینز، برایان تریسی و امثال آن در این دهه به

انسانها درس چگونه زیستن و موفقیت را می دهند. با استفاده از تجربیات آنها شما می توانید با اطلاعات بیشتری که به دست می آورید روشهای بهتر و مثمر ثمرتری را برای زندگی و افزایش ثروت به دست آورید. همچنین حضور در سمینارها این امکان را پدید می آورد که با افراد دیگر نیز ارتباط برقرار نموده و بتوانید به کمک آنها به اهدافتان دست پیدا کنید.

چه بسا در سمینار، مشتری جدید خود را پیدا کنید و یا اینکه شغل بهتری را پیدا کنید. حتی می توانید با چند تن از افرادی که در این سمینارها شرکت می کنند طرح دوستی ریخته و با هم تشکیل یک تیم را بدهید و یک مجموعه موفق برای پولسازی و خدمت به مردم پدید آورید.

در چنین سمینارهایی قبل از هر چیز باید اهداف خود را به یاد داشته باشید. دلیل شما برای حضور در این سمینار چیست و به دنبال چه هستید؟ حال باید هر چه را که در این سمینار در مورد هدف شما گفته می شود یادداشت کنید و بعد سر فرصت در مورد آنها فکر کنید تا به نتیجه ای که در نظر داشتید برسید.

همچنین می توانید سوالات و مشکلات خود را یادداشت نموده و وقتی که در سمینار به آن موضوع پرداخته شد جواب مورد نظر را زیر آن بنویسید. اگر در پایان سمینار متوجه شدید که هنوز پاسخ یک یا چند سوال خود را دریافت نکرده اید می توانید پس از سمینار از برگزارکننده سمینار به صورت شخصی پرسید.

یادتان نرود که گرم گرفتن در چنین مجامعی را از یاد نبرید. زیرا حسن عمده چنین مجالسی این است که اشخاص همپایه ای در آنجا حضور به هم می رسانند که مثل خود شخص حرفه ای و ممتاز هستند.

در سمینار به هیچ وجه نباید گوشه ای کز کرده و فقط دنبال کار خود باشید بلکه باید به

دنبال رابطه سازی با دیگران نیز باشید در غیر این صورت فرق نوار آموزشی با سمینار در چیست؟ شما باید برای موفق شدن از تمامی عوامل رشد استفاده نمایید.

در پایان نیز باید بگویم که شرکت در سمینارها نباید از حد معقولش فراتر رود و شما باید پس از هر سمینار به دنبال عملی کردن آنچه در سمینار فراگرفته اید باشید. حتی یک ایده را که در سمینار به ذهنتان خطور کرد را نباید دست کم بگیرید. شاید همان ایده باعث به نتیجه رسیدن شما شود.

یادتان باشد که در عصر کنونی آنچه که بیش از همه باعث پولسازی و ثروتمند شدن خیلی از افراد گردیده ایده های جدید در انجام کارها بوده نه انجام طرحهای قبلی.

چگونه ثروتمند شویم؟

برای پول یافتن و پولسازی لازم نیست که حتما به یکسری شغل و کسب خاص و مشخص روی آورید بلکه باید به یکسری موارد دیگر نیز توجه کرد که بدون آن به هیچ عنوان نمی توان به ثروت رسید. این موارد به قرار زیر است:

۱_ ذهنیت

تفاوت یک انسان فقیر با یک انسان پولدار در لباس ظاهر و یا میزان موجودی حساب بانکی نیست. بلکه تفاوت اساسی در نحوه نگریستن آنها به دنیا و سرمایه و پول است. کافیت یک مرد ثروتمند و یک مرد فقیر را با شرایط یکسان در یک شهر غریب رها کنید و بعد از چند سال به سراغ آنها بروید. به احتمال ۹۵ درصد خواهید دید که مرد ثروتمند دوباره ثروتی به هم زده است و مرد فقیر همچنان فقیر است و مرد پولدار را خوش شانس و خوش اقبال می دانند. حال اینکه ثروتمندی از روی شانس نیست و قواعدی دارد که در اینجا این قواعد را برایتان توضیح می دهیم.

قاعده اول: پولدار بودن و پولدار شدن نه تنها چیز بدی نیست که اتفاقا بسیار هم پسندیده است. آنچه فوب نیست پولدار شدن به قیمت بدبختی و فقر دیگران و استفاده نامناسب از پول و ثروت است که بمتی جداست و ربطی به سرمایه دار بودن ندارد.

قاعده دوم: باید ذهنیت یک آدم پولدار را داشته و به مشابه یک آدم پولدار رفتار کنید.

از این به بعد خودتان را در جامعه یک آدم پولدار ببینید که سوار بر یک اتوموبیل آخرین سیستم هستید و در کنار خانواده، از زیباییهای زندگی سخن می گوید و با آنها به دل طبیعت می روید و آسایش و آرامش واقعی را در کنار خانواده تجربه می کنید. این رویاها و تجسمات، اساس و پایه پولدار شدن سریع می باشد.

تا می توانید رویای پولدار بودن و در اوج مکننت بودن خودتان را تجسم کنید و با تمام وجود به این رویا شاخ و برگ دهید و از آن لذت ببرید.

سوال مهم و تعیین کننده ای که انسانهای فقیر باید همیشه از خود بپرسند این است که وقتی پولدار شوند چه شکلی می شوند، چه جوری رفتار می کنند، چه جوری به دنیا نگاه می کنند، چه جوری با مشکلات برخورد می کنند، در مقابل اتفاقات روزمره چه واکنشی انجام می دهند و از همه مهمتر نسبت به فقر و نداری چه احساسی دارند؟

در واقع در یک کلام می توان گفت که **ثروتمند شدن نتیجه یک تفکر و تجسم ثروت جویانه و فقر نتیجه تفکر فقر جویانه است.** به همین دلیل اگر قصد دارید ثروتمند شوید و اتفاقا سریع هم به ثروت برسید لازم است که شب و روز وضعیت و حالت پولدار بودن خود را در آینده نزدیک تجسم و با تمام وجود احساس کنید. نرمی لباس فاخر را بر تن خود از همین الان حس کنید و آسایش و رفاه منزل مجهز و وسیله نقلیه مدل بالا را در پوست و گوشت خود لمس کنید. این نوع تفکر به هیچ وجه گناه نیست و احمقانه و کودکانه نیز نخواهد بود.

ایده: ثروت‌های بزرگ متعلق به ایده سازان و ایده پردازان بزرگ است.

ایده ای جدید ارائه بده و از این طریق منبع و منشایی جدید برای ثروت سازی خلق کن.
(در واقع این شعار من است)

شاید برای خیلی از انسانها ایده را "شرط الزامی به ثروت رسیدن دانستن"، سنگین جلوه کند ولی این واقعیتی است غیر قابل انکار که انسانهای خاصی آن را باور دارند و از آن راه به ثروت و مکنت دست پیدا می کنند. کمی به اطراف خود دقیق شوید و ببینید چگونه در یک حرفه ثابت، افراد صاحب ایده و نظر نو گوی سبقت را از بقیه می ربایند و در اندک مدت به هر چه می خواهند می رسند.

برای مثال به صنعت یخچال سازی توجه کنید. به نظر شما اولین کسی که به فکر ترکیب یخچال و فریزر و تولید محصولی بنام "یخچال فریزر" افتاد چه قدر سود کرد؟ ایده خیلی ساده به نظر می رسد اما ما در همین کشور خودمان افرادی را می شناسیم که با این ایده به ظاهر کوچک توانسته اند در کمتر از یکسال به سرعت رشد کنند و فروش عالی داشته باشند و بازار یخچال فریزرهای خانگی را از آن خود کنند.

این را به یاد داشته باشید که همیشه می توان وضعیت یا محصول یا سرویسی را بهبود داد. همیشه "ایده های بهبود" طرفدار دارند و عده زیادی حاضرند برای آن پول بپردازند.

شرط مهم و اساسی پولسازی در قرن ۲۱ که رقابت بیداد می کند و هرکس مترصد است تا با تقلید از دیگری به ثروت برسد و به زعم خود بازار را از آن خود کند توانایی خلق و دسترسی به ایده های جدید و بکر است و همین است که باعث می شود صاحب ایده یک گام جلوتر از بقیه باشد و سکه های مخفی شده در مسیر ایده جدید را پیدا کند.

فقط باید توجه داشت که یک ایده بکر هر چند برای شروع حرکت ثروت سازی ضروری است ولی دلیلی وجود ندارد که این ایده تا آخر کار ثابت و بدون تغییر بماند. ایده لازم نیست پیچیده باشد و اتفاقاً همیشه در کنار ایده های ساده و ابتکاری، ثروت بی زحمت و زیادی نهفته است که از طریق کشف ایده های جدید و نو معمولاً این ثروت به راحتی به دست نمی آید.

در نظر داشته باشید که انسانهای صاحب ایده و نظر نو همیشه و در هر مجموعه ای صاحب ارج و قرب هستند و بالاترین سود را از آن خود می کنند.

بیایید ایده بسازیم

اگر میخواهید هر لحظه زندگیتان گامی به سوی ثروت سازی باشد، یاد بگیرید که ایده سازی و نظریه پردازی را در خود نهادینه کنید. هر جا هستید در اطراف خود دقیق شوید و ببینید انسانهای موفق و ثروت ساز اطرافتان با توسل به چه ایده هایی به پول رسیده اند. جلوی هر مغازه ای که رسیدید بی خیال از کنار آن نگذرید، بلکه با خود فکر کنید که چرا صاحب مغازه این مکان خاص را انتخاب نموده است و چرا به این شغل روی آورده است؟ و چرا این محصولات مخصوص روی ویتترین چیده شده است؟ به نحوه برخورد او با مشتری دقت کنید و به حساب و کتابهای او توجه نمایید. حتی یک لحظه هم بیکار نمانید و در مورد خود محصولات نیز تامل کنید. با خود بیاندهشید چرا سازنده، این نوع بسته بندی خاص را انتخاب نموده است و... و شما اگر جای او بودید برای بهبود محصول و افزایش فروش چه می کردید؟ اگر در مجلس خانوادگی نشسته اید، افراد را با

هم مقایسه کنید و ببینید راز ایده خلاقانه ای که اعضای ثروتمندتر خانواده را پولدارتر ساخته است چیست؟ به هر حال حتی یک لحظه هم بیکار ننشینید و کاری کنید که جست و جو و کاوش و کشف ایده ها جزو یکی از عادات درونی ذهن و جسم شما گردد. آنچه می تواند شما را به ثروتی عظیم برساند، ایده ای است بکر و نو که باید در ذهن شما متولد شود و توسط شخص شما رشد کند و شاخ و برگ پیدا کند. ایده ها از این به بعد برای شما عزیزترین و محبوبترین چیزهای زندگی خواهند بود. وقتی کسی راجع به چیزی نظر می دهد این شما هستید که هوشیارتر از همه (حتی خود صاحب ایده) به تک تک کلمات و حرکات و نگاههای او دقیق می شوید و از دل جملات او ایده های طلایی و پولساز خود را استخراج می کنید!!

ایده، آغاز حرکت سرمایه سازی شماست و درست شبیه جرقه های استارت ماشین است که اگر این جرقه ها نباشد ماشین روشن نخواهد شد و حرکتی صورت نخواهد گرفت. در واقع ایده آغازگر حرکت است. حرکت به سوی پولسازی.

مهم نیست که یک فرد چقدر پول دارد یا چه میزان ثروت را به ارث برده است. اگر این فرد فاقد ثروت ایده سازی و ایده پردازی باشد و بدتر از آن هیچ احترامی برای ایده های طلایی دیگران قایل نباشد، مسلم بدانید که در اندک مدتی تمام سرمایه اش را بر باد خواهد داد.

البته به یاد داشته باشید که ایده خشک و خالی هم هیچ ارزشی ندارد. ایده باید خیلی زود جدی گرفته شود و زیر ذره بین ذهن قرار گیرد و تا می تواند شاخ و برگ داده شود و از دل آن زنجیره ای از ایده های جدید متولد شود.

اگر همین الان ایده ای در ذهنتان نقش بست به آن بی اعتنا نباشید. همین که این ایده توانسته از اعماق ضمیر باطنتان به بالا صعود کند و خودش را به سطح ضمیر هشیار شما

برساندو در قالب طرح و ایده ای گنگ اما شدنی جلوه کند،همین ویژگی دلیل آن است که باید جدی گرفته شودونکته ای مهم در دل آن است.اگر به عنوان مثال در محله ای متوسط زندگی می کنید و قصد ثروت سازی و سرمایه سازی را دارید،بلافاصله ذهنتان را به سراغ بنگاه املاک واتوموبیل و...نفرستید.به جای آن به ایده های تازه وعجیبی که داریم به ذهنتان خطور می کند توجه کنید ودر مورد آنها تامل نمایید.فراموش نکنید که راه پولسازی برای هر شخص بستگی به شخصیت و تواناییهای او وهمینطور شرایط محیطی او دارد.به همین دلیل اگر در صف نانوائی می بینید که بیشتر از حد طبیعی منتظر مانده اید ویا کیفیت نانها مناسب نیست وبلافاصله ایده ایجاد یک نانوائی مدرن به ذهنتان خطور کرد به این فکر نخندید.در واقع دلیلی ندارد که شما خودتان در راس عملیات خمیر مالی و پخت نان قرار گیرید.شما می توانید سرمایه گذاری لازم برای کسب مجوز واحداث نانوائی را به عهده گیرید و عده ای دیگر را برای کار در نانوائی خود استخدام کنید.

ایده های عجیبی مثل "آموزش انگلیسی در خواب" و امثال آن شاید در نظر اول خیلی ابتدایی وغیرممکن جلوه می کردند اما صاحبان این ایده ها توانستند با پافشاری وتامل دقیق روی ایده اصلی و ایده های فرعی حاصل از آن به ثروتهای چند میلیونی برسند. ثروتی که در گام اول تصورش هم برای آنها غیر ممکن بود.

راجع به ایده های خود می توانید با صدای بلند صحبت کنید و نظر بقیه را راجع به آن پیرسید. نگران دزدیده شدن ایده خود نباشید..شما همیشه یک گام از دیگران جلوترید واین نه به خاطر داشتن ایده بلکه به سبب یافتن مهارت ایده سازی و ایده پروری است. برای طرح ایده خود وبرای اینکه دیگران ایده شما را دخالت در کار خود تصور نکنند وآنرا توهینی به خود نشمارند،به صورت سوالی ایده خود را مطرح کنید.مثلا: به نظر

شما اگر در مجموعه خود این (...ایده خودتان...) را به کار ببریم چه اتفاقی می افتد؟ یا فکر نمی کنید هزینه ها کمتر شوند اگر این ایده (...ایده خودتان...) اجرا شود؟

پیاده سازی و اجرای سریع ایده

به محض اینکه ایده جدیدی به ذهنتان راه یافت، درنگ نکنید و بلافاصله به جستجوی راهی برای پیاده سازی و اجرای آن ایده بگردید. فراموش نکنید که هر ایده پشت سر خود هزاران ایده دیگر خواهد داشت که آن ایده ها وقتی ظاهر می شوند که ایده پیشقراول اجرا شود و امتحان خود را پس دهد.

کسانی که ایده ای گران بها به ذهنشان می رسد اما از ترس انتقاد یا لو رفتن آنرا مخفی می کنند، نمی دانند که با این کار اصولاً روح حیات را از ایده خود می گیرند و آن را توسط خود به قتل می رسانند. همیشه به یاد داشته باشید که اگر ایده ای توسط شما انجام نشود مطمئناً پس از مدتی شاهد انجام آن توسط دیگران خواهید بود.

ایده باید جاری شود و توسط دیگران مورد نقد و بررسی قرار گیرد. فراموش نکنید که وقتی دیگران ایده شما را نقد می کنند در واقع از یک لحاظ به طور مجانی برای شما کار می کنند و تمام جوانب ایده شما را مورد بررسی قرار می دهند و آن را صیقل می دهند. ایده خود را بلافاصله و بی درنگ اجرا کنید و نتایج آن را با دقت زیر ذره بین خود و منتقدین قرار دهید. از یاد نبرید که ایده کامل وجود ندارد و یا خیلی کم پیدا می شود.

هرگز منتظر زمان کامل شدن ایده ای نمانید. به خاطر داشته باشید که حتی لازم نیست ایده شما در ابتدا کار کند فقط کافیست که ایده نقطه آغاز باشد. یادتان باشد که بدون آغاز، ثروتی نیز در میان نخواهد بود.

هیچ وقت از جواب ندادن یک ایده سرخورده نشوید بلکه بلافاصله و سریع به سراغ ایده بعدی بروید. هر ایده چه موفق و چه ناموفق فقط گامی است به سوی جلو برای خلق ثروت جدید. این جمله را به خاطر بسپارید و با شجاعت و جسارت تمام به دنبال راهی برای اجرا و عملی ساختن ایده های خلاقانه خود بگردید.

یک انسان سرمایه ساز یک فسیصیه فیلی مهم دارد و آن این است که او در هر جایی که باشد همیشه پیش خود این سوال را مطرح می کند که چه سرمایه پنهانی را از همین فرصتی که الان در اختیارم هست می توانم بیرون بکشم؟

لطفا باقی مطالب مربوط به جزوه پولسازی را در قسمت ششم جزوه ادامه دهید